

بول مفتوح جنت در بسته یعنی بخواب المفلوق الخنده
 مفتوحه و من قال ان هذا البيت تكرار كن انا و جنانا في كثير
 من النسخه فلذلك نشرح فقد اشتمت عليه غير ذلك معنى التكرار
 فان ما سبق في بيانه اضحاه اليتيم العليل و اللطف عليه و هذا
 غير ذلك هر که او دین نصیحتها بجای که بو بندگی کنور
 بجای یعنی کس باقی هذا المضاج مجرب و ینفعها دارد و
عالم رحمتش و رینا بدین وصیت رجاى که کتور
 بو بندگی بجای یعنی و لا یوفی هذه الوصیه تجرد و ما یزید
شکی او از خدای دور او لورب سنک او کم از خدای لفظ
 او فاعل من و بنا یر علی سبیل الیول راجع الی هر که یعنی
 سبق هو بعدا من الله تعالی بلا سنک یا الهی رحم کن بر عالم
 یا الهی بره رحم ایست جمله لفظا من غیر التکلم مع الغیر یعنی
 نحن یعنی یا الهی اجعل رحما و مرحمة علینا جمیعا عفو کن
جمله کنه ما عه جمله عصیان غیر عفو الیه سنه یعنی اجعل
 جمیع ذنوبنا عفو او محو و قبل لفظ بر ما یفیر کس
 واحده فالقافیه حاصره **عاجز و صر ما کرده** سی عاجز
 بد الیک عصیان سنه یعنی نحن عاجزون فعلنا اجرا

ایستادن
 بخشند خدای
 این رحمت خدای یعنی
 بکنه الله تعالی رحمة
 العالمیه

و عصیان کنیا نیت ما را غیر تو دیگر کسی بره سنه
 غیر یو قدر کس یعنی لیس لنا عینک و اذ فرضتی یومین
 و یفقرنا که **خجونی و زبانی بنده ایم** که او فور سکه برور
 سکه سنه یوز یعنی لیسر ثمانان تقار و تدعو الی جانب قدسک
 او تطرد فانا عبدک و مملوکک و انک حاکم المطلق یفعل الله
 ما یشاء و یکبر و یرید یفرته هر چه حکم کنست از ان خبر
سنه ایم اول که حکم کرد اکثر سنه یوز یعنی کل
 حکمک نحن منه رضوانه و قانعون لحزبیت بر عبودیت
 نتواند در از فرموده ایم من جز از طاعت تو نکند ذکر کردارها
رحمت حق با بر روح کسی اوله و حینم انک حق
 رحمتی قویه یتوی یعنی کان رحمة الله تعالی علی روح احد کین
نضاج را بخون او بس که جوق او قویه یونضیحتی
 یعنی لای یقراء هذه النضاج کثیرا امین **اما بعد**
 فان الماصول من فضل الله العظیم ان یجعل اللفت هذا
 خالصا بحضرة الکریم و یفصو من الظلمه الیهیم عماد
 فیه قدم القلم و کرمی القلب عن تحریر و الرقمه فان من
 اخلاق الاکابر الکبار ان یفصر العین عن عیوب الصفا

۳۲۱
 من الطافه